

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی – سعید افغانی»  
۰۵ اگست ۲۰۱۵

## ازدواج با دختر صغیره - سن بلوغ در اسلام

قبل از همه باید گفت که در تعیین سن ازدواج دختران و پسران اساساً دو نظریه وجود دارد یکی فهم و دید شرعی و دیگری هم دید و فهم قوانین که توسط بشر وضع شده است .

از فهم قرآن عظیم الشان سن ازدواج برای دختران معین نشده است. ولی در قرآن عظیم الشان اصطلاحاتی چون : «بلوغ»، «بلوغ حلم»، «بلوغ نکاح» و «بلوغ اشد» تذکر یافته است که از فهم این آیات و این اصطلاحات می توان به نحوی از انحاء سن بلوغ و سن ازدواج را به دست آورد.

واضحترین حکم در مورد تعیین سن ازدواج را می توان از آیت ۶ سوره نساء به دست آورد طوری که می فرماید: «و ابتلوا الیتامی حتی إذا بلغوا النکاح فإن آنستم منهم رشداً فادفعوا إلیهم أموالهم» (یتیمان را آزمایش کنید تا هنگامی که بالغ شده و به نکاح تمایل پیدا کردند و آنان را به درک مصالح زندگانی خود آگاه یافتید، اموالشان را به آنان بدهید.)

مفسرین معنی بلوغ به معنی بلوغ نکاح و به مرحله توانائی بر همخوابگی و تولید نسل ترجمه و تفسیر نموده اند . علماء می نویسند: بلوغ نکاح رسیدن به سنی است که در انسان استعداد و آمادگی ازدواج حاصل شود و آن بلوغ حلم است. نوجوان در این حالت میل پیدا می کند همسر و سرپرست خانواده باشد. کسی که مال یتیمان نزد وی است، حق ندارد مال را در اختیار یتیم بگذارد، تا این که به بلوغ جنسی و احتلام برسد.

در این روایت بلوغ نکاح به احتلام تفسیر شده است. خلاصه آن که، معیار سن ازدواج از نظر قرآن همان قدرت داشتن بر ازدواج، توانائی هم خوابگی و تولید نسل است.

خواننده محترم !

در شریعت دین مقدس اسلام بلوغ دختران و پسران سن خاص و مشخصی ندارد و ممکن است این سن در همه یکسان نباشد، بنابراین تعیین کردن دقیق سن به عنوان سن بلوغ در فهم شریعت اشتباه است، بلکه صحیح آنست که به نشانه های بالغ شدن دختر و پسر نظر شود، بدین صورت که:

هرگاه پسری محتلم شد و یا منی از او خارج گشت و یا آن که موی شرمگاه او نمایان شد و در دخترها علاوه بر آن سه نشانه مذکور برای پسرها، دچار عادت ماهیانه (حیض) شد - در هر سنی که باشند - وجود تنها یکی از این نشانه ها، نشانه بلوغ آنهاست و از همان لحظه به بعد آنها شرعاً بالغ محسوب می شوند و - اگر جنون نداشته باشند- موظف به انجام تکالیف شرعی خود اعم از نماز و روزه و دیگر عباداتی که بر هر زن و مرد مسلمان بالغی واجب است، هستند. بنابراین ممکن است که دختری در سن هفت سالگی و دیگری در نه سالگی دچار حیض شود و همانسال سن بلوغش

است.

و همینطور یک پسر ممکن است در سن دوازده سالگی محتلم شود و دیگری در سن پانزده سالگی و یا هم در سنین دیگر آن سن بلوغش به شمار می رود .

ولی سؤال در اینجا است: اگر بالفرض مثال سن دختر یا پسر از حد معینی بالاتر رفت ولی نشانه های بلوغ در او یافت نشد، چه حکم در این بابت باید تنفیذ گردد .

در این مورد علمای اسلام نظریات متفاوتی در مورد سن بلوغ دارند و هر یک از این علماء دید تفسیری و استدلالی خویش را ارائه داشته اند که ذیلاً مختصراً بدان اشاره می نمایم :

### **نظر امام شافعی :**

در مذهب امام شافعی دختران و پسرانی که از حد معین بالا رفت و نشانه بلوغ در آن یافت نشد سن پانزده سالگی را برای دختران و پسران محدوده نهائی قرار داده اند، یعنی اگر دختری به پانزده سالگی برسد ولی نشانه های بلوغ در او دیده نشود، باز او بعد از پانزده سالگی (کامل) به عنوان مکلف شرعی موظف است تا عبادت و تکالیف شرعی را انجام دهد و همینطور سن پانزده سالگی را برای پسرها؛ هر چند که نشانه های (حیض، یا احتلام یا خروج منی، یا روئیدن مو بر شرمگاه) دیده نشوند.

### **نظر امام ابوحنیفه و امام مالک:**

در مذهب امام صاحب ابوحنیفه و امام صاحب مالک گفته اند: کسی که احتلام نشده باشد، حکم به بلوغ وی نمی شود تا این که به سن شانزده سالگی برسد و در روایت مشهورتری از امام صاحب ابوحنیفه سن هفده سالگی نقل شده است. و درباره دختر گفته است باید به سن هفده سالگی برسد و امام صاحب ابو داود گفته است: انسان با سن بلوغ نمی شود، مادام که احتلام نیابد اگر چه چهار ساله هم باشد. (تفصیل موضوع: فقه السنه سید سابق). اما تعدادی از علمای تابع مذهب امام ابوحنیفه گفته اند که محدوده نهائی برای دختر و پسر پانزده سالگی کامل است، و این نظر علمای مذهب امام حنبل نیز می باشد .

### **جمع بندی کلی سن بلوغ در نزد علماء :**

امام ابوحنیفه: سن نهائی تعیین بلوغ را برای دختران و پسران هفده سالگی دانسته است.

- امام ابویوسف و امام محمد ، سن بلوغ دختر و پسر را ۱۵ سال قمری می دانند.

امام مالک: اتمام ۱۸ سال را برای پسر و دختر سن بلوغ تعیین نموده اند .

امام شافعی: اتمام ۱۵ سال قمری را برای پسر و دختر سن بلوغ دانسته اند .

امام حنبل :: اتمام ۱۵ سال قمری برای پسر و دختر سن بلوغ دانسته اند .

ظاهریه: می گویند : هرگاه نشانه بلوغ ظاهر شود و سن مهم نیست.

البته همانطور که گفته شد اگر کسی قبل از آن سنین در وی نشانه های بلوغ ظاهر شود، او از همان لحظه به عنوان مکلف شناخته می شود، مثلاً ممکن است دختری در نه سالگی بالغ شود و پسری در دوازده سالگی، ولی اگر هیچ علامتی از بالغ شدن در او دیده نشود، در آنصورت ملاک سنین فوق هستند، یعنی با رسیدن به این سن احکام شرعی بر آنها واجب خواهد شد.

## بلوغ زود رس در اسلام :

ظاهر شدن علائم بلوغ از نظر فیزیکی و هورمونی در دختران و پسران را در فقه اسلامی ، بلوغ زودرس نامیده اند . سؤال در اینجا است که آیا بلوغ زودرس در شریعت برای اجرای قوانین اسلامی معتبر است؟

علماء در تحقیقات خویش می گویند : رسیدن به سن بلوغ با یکی از نشانه‌های زیر به ثبوت می‌رسد:

۱- خروج منی از وی، خواه در خواب باشد و یا هم بیداری، چون خداوند می‌فرماید: « و إذا بلغ الاطفال منكم الحلم فليستأذنوا كما استأذن الذين من قبلهم » (سوره نور آیت ۵۹) (هرگاه اطفال شما به سن بلوغ رسیدند و احتلام شدند، باید بدون اجازه بر شما وارد نشوند، همانگونه که کسانی پیش از آنان بودند اجازه می‌گرفتند).

در حدیثی به روایت ابوداود از علی بن ابیطالب پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: « رفع القلم عن ثلاث: عن الصبی حتى یحتلم. وعن النائم حتى یتقیظ و عن المجنون حتى یفیک »

(از سه کس قلم تکلیف برداشته شده است: از کودک تا این که احتلام شود و از به خواب رفته تا این که بیدار گردد و از دیوانه تا این که بهبودی حاصل کند و رشد خویش را باز یابد). (و به روایت امام علی بن ابیطالب پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: « لا یتیم بعد احتلام [بعد از احتلام یتیمی وجود ندارد و دیگر یتیم نیست]. (به روایت ابوداود و بخاری).

۲- به پایان بردن پانزده سال تمام از عمر خود، چون ابن عمر گفت: در روز جنگ "أحد" که چهارده سال داشتم بر پیامبر صلی الله علیه و سلم عرضه شدم، که در جنگ شرکت کنم، به من اجازه نداد و روز جنگ خندق که پانزده سال داشتم بر وی عرضه شدم که در جنگ شرکت کنم به من اجازه داد.

چون عمر بن عبدالعزیز این مطلب را شنید به عاملان خود نوشت که کسی را به جنگ نفرستند مگر این که به پانزده سالگی رسیده باشند و تا کسی به پانزده سالگی نرسیده باشد، به وی تعرض نکنند.

امام ابوحنیفه و امام مالک گفته‌اند کسی که احتلام نشده باشد، حکم به بلوغ وی نمی‌شود تا این که به سن شانزده سالگی برسد و در روایت مشهورتری از امام ابوحنیفه هفده سال نقل شده است. و درباره دختر گفته است باید به سن هفده سالگی برسد و امام داود گفته است: انسان با سن بلوغ نمی‌شود، مادام که احتلام نیابد اگرچه چهل ساله هم باشد.

۳- روئیدن موی سیاه زهار که موی سیاه مجعد است، نه مطلق موی، که مطلق موی در زهار کودکان نیز هست. در جنگ بنی قریظه مرد را با روئیدن موی زهار می‌شناختند و هر کس موی زهارش روئیده بود، بوی اجازه شرکت در جنگ داده می‌شد.

امام ابوحنیفه گفت: با روئیدن موی، هیچ حکمی ثابت نمی‌شود و روئیدن موی زهار نه بلوغ است و نه علامت بلوغ.

۴- قاعده شدن و آبستن شدن. با این سه علامت قبلی که ذکر شد بلوغ پسر و دختر ثابت می‌شود و علائم بلوغ دختران علاوه بر آنها قاعده شدن و آبستن شدن نیز هست، چون بخاری و غیر او از عایشه روایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: « لا یقبل الله صلاة حائض إلا بخمار » (خداوند نماز زن به حیض افتاده بالغ را نمی‌پذیرد تا این که روسری داشته باشد و بدون آن نمی‌پذیرد).

و اما رشد عبارت است از قدرت بر اصلاح مال و حفظ و نگهداری آن از ضایع شدن، که به صورت واضح و آشکار در معاملات مالی بیش از حد معمول و غالب، مغیوب و زیان دیده نشود و مال را در راه حرام صرف نکند، پس هرگاه کسی بالغ شد و رشد نداشت، ولایت مالی بر او ادامه دارد و از تصرفات (فقط) مالی ممنوع است.

تا این که علائم رشد در وی به ظهور رسد، بدون تحدید سن یعنی رشد مدرک عمل است نه سن معینی، برابر ظاهر نص قرآنی چنین است. به خلاف ابوحنیفه که سن معینی را در نظر گرفته است، هرگاه پس از رسیدن به رشد از او سفاقت ظاهر شد، مجدداً بر وی حجر نهاده می‌شود، چون به قول جصاص ضرر سفاقت به همه برمی‌گردد، چون هرگاه سفاقت مال خود را با اسراف و تبذیر تلف کند، او محتاج می‌شود و وبال بر مردم و بیت‌المال است و این از جهت ولایت مالی

است و اما ولایت برنفس به مجرد رسیدن به سن بلوغ و عاقل شدن، این ولایت از اوقطع و مکلف می‌گردد. و او می‌تواند در مال خود تصرف کند.

در تفسیر آیت: "فإن أنستم منهم رشداً"، از سعید بن منصور به روایت از مجاهد روایت شده است که گفت: عقل، یتیمی را از یتیم دور نمی‌سازد، اگرچه سنش نیز بزرگ شده باشد مگر این که به رشد برسد و رشد ملاک است نه عقل. (منبع: فقه السنه سید سابق)

اما در سایت معتبر (اسلام وب) در باره کودکی که زود بالغ می‌شود چنین نوشته است:

« اگر کودک در سن پائین محتلم شود، در اینصورت شرع با وی همانند بالغین معامله می‌کند به جز حج، که بر وی واجب نمی‌شود مگر در صورت توانائی مالی و بدنی. به دلیل فرموده الله تعالی که می‌فرماید:

«وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» (سوره آل عمران: ۹۷) یعنی: و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانائی رفتن به سوی آن دارند و اما اگر به سبب غرق شدن بمیرد، حکم شهید را دارد زیرا این حکم در سنت نبوی ثابت شده است. (برای معلومات بیشتر در این زمینه به کتابهای اصولی مراجعه کنید. )

### ازدواج با دختر صغیره

مصطفی بن حسنی السباعی، متولد ۱۹۱۵ شهر حمص سوریه که یکی از علمای شهیر جهان اسلام است در کتاب مشهور خویش « زن میان فقه و قانون » و عالم شهیر کشور مصر شیخ علی طنطاوی در مقالات خویش می‌نویسند:

«بجوز قضاء و یحرم دینانه» طی تحلیل علمی و فتوای اسلامی خویش با تمام صراحت می‌نویسد: ازدواج با دختر صغیره از فهم قضائی و قانونی کدام ممانعت و مشکلی ندارد ولی از فهم دینانت اهداف و مقاصد که در وراء ازدواج با دختر صغیره نهفته است، حرام است.

تعدادی کثیری از علمای اسلام بارز ترین و مهمترین هدف شرعی ازدواج را مطابق به ارشادات قرآن عظیم الشان: سکون نفس، مودت، عشق و محبت معرفی داشته اند.

قرآن عظیم الشان می‌فرماید:

«ومن آیاته أن خلق لكم من انفسكم أزواجاً لتسكنوا إليها وجعل بینكم مودة ورحمة إن فی ذلك لآیات لقوم یتفكرون»

(از نشانه های پروردگار آنست که بیافرید برای شما از جنس شما زنان را تا آرام گیرید به سوی ایشان و پیدا کرد میان شما دوستی و مهربانی، بدرستی که در این کار نشانه ها است برای گروهی که تفکر می‌کنند).

بناءً ازدواج با دختر صغیره نه تنها اهداف مندرج در آیت متبرکه را تحقق نمی‌بخشد، بلکه مصالح علیای مجتمع انسانی را نیز به مخاطره جدی مواجه می‌سازد.

درازواج با دختر صغیره نه تنها مودة ورحمت نیست بلکه در ازدواج با دختر صغیره اهانت به امر ازواج واهانت به مقام والای انسان و ارزشهای انسانی است.

هدف از ازدواج رسیدن به یک لقمه نان و لباس و خانه نیست، بلکه هدف از ازدواج عشق است و محبت است.

تتبع ونگارش:

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»

مدیر مطالعات ستراتژییک افغان و مسؤول مرکز کلتوری دحق لاره- جرمنی